

دوفصلنامه حقوق عمومی عدالت
سال اول - شماره یک، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

بازتاب تضمین و رعایت حریم خصوصی شهروندان در نظام شرع و قانون

عبدالمقیم ناصحی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۸

چکیده

حریم خصوصی یک مفهوم سیال است که امروزه به طرز رو به گسترش و الهام بخشی در ادبیات حقوقی و به ویژه مباحث حقوق شهروندی در حال شیوع است؛ لذا در این مقاله سعی گردیده به منظور تبیین مبانی قانونی تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی و هم چنین مبانی شرعی و احکام دینی مربوط به تضمین و رعایت حریم خصوصی پرداخته شود. ابتدا به تشریح مفاهیم حریم خصوصی و در مرحله بعد تلاش شد مصادیق حریم خصوصی و تکالیف قانونی دولت در ارتباط با تضمین و رعایت آنها مورد تحلیل و همچنین موازین شرعی تبیین شود. و حریم خصوصی در حوزه‌های حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی قابل دسته‌بندی و به طور منفرد و در بطن قواعد مختلف نظام حقوقی ایران - اعم از قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آئین دادرسی کیفری و قانون آئین دادرسی مدنی، قوانین و مقررات مربوط به سایر قوانین گاه به طور ضمنی و گاه به طور صریح مورد حمایت قرار گرفته‌اند. و نتایج تحقیق نشان داد علل موجهی جواز نقض حریم خصوصی در موارد معین دارای استثنائات وارده بر اصل کلی رعایت حریم خصوصی مبتنی بر و ضوابط قانونی و جدا از شرع می‌باشد.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، مبانی شرعی تضمین حریم خصوصی، مبانی قانونی تضمین حریم خصوصی

مقدمه

تضمین و رعایت حریم خصوصی افراد به عنوان یکی از مهمترین مصادیق حقوق شهروندی، مبتنی بر التزامات دو گانه‌ای در نظام اسلامی است. به طوری که کارگزاران نظام اسلامی باید در وهله‌ی اول از مداخله‌ی خودسرانه و غیرقانونی در حریم خصوصی افراد پرهیزند و در مرحله‌ی دوم به حمایت از این حقوق در برابر تعدیات احتمالی سایر افراد پردازند. لذا در این موضوعات دولت اسلامی هم مسئولیت اولیه سلبی (مبنی بر عدم دخالت در حریم خصوصی شهروندان) و هم مسئولیت ثانویه ایجابی (حمایت از حریم خصوصی شهروندان) دارد. از سویی دیگر استثنائات مربوط به نقض حریم خصوصی افراد در چارچوب نظم عمومی و مصالح عمومی و امنیت ملی و نیز مبانی و ضوابط شرعیه باید مورد توجه قرار گیرد که در این زمینه ضوابط عملکرد کارگزاران نظام جمهوری اسلامی با سه معیار قانونی بودن، خودسرانه نبودن و ضروری بودن قابل ارزیابی است. در مقام مقدمه باید گفت آن چه مسلم است این است که انسان بماهو انسان از آن چنان ارزش و موقعیتی برخوردار است که به هیچ وجه نباید وسیله قرار گیرد و حق‌ها برای پاسداری از این ارزش و موقعیت در کار هستند (راسخ، ۱۳۸۴: ۲۴). قدر و منزلت همان است که از آن تحت عنوان «کرامت ذاتی» افراد بشر نام می‌برند و در مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کرمنا بنی آدم» جلوه‌گر شده است و می‌توان آن را سنگ بنا و منشأ کلیه‌ی حقوق انسانی از جمله حق بر حریم خصوصی دانست.

در طرح مختصر مبانی فلسفی موضوع باید گفت انسان طبیعت فطری دو گانه‌ای دارد که هم مایل به زندگی اجتماعی و بهره‌مندی از مزیت‌های همزیستی مسالمت آمیز با دیگران و با اتکای تعاون و برادری است و هم تمایل ذاتی به خودمختاری و حفظ اختیار تصمیم‌گیری و آزادی طبیعی خویش دارد. سرشت زندگی اجتماعی انسان‌ها نیز چنان از یک طرف از هم جدا و از طرف دیگر به هم آمیخته است که گریزی از جمع بین این دو ویژگی همزیستی خواهی و خودمختاری توامان نیست.^۱ از سویی جامعه ناگزیر از پذیرش

استقلال فردی شهروندان و پایبندی به الزامات ناشی از این استقلال فردی است و از سویی دیگر شهروندان ناگزیر باید محدودیت‌های ضروری بر آزادی‌های خویش را حسب اقتضائات نظم عمومی پذیرا باشند. در این رابطه خط‌کش و ملاک متوازن کننده همان حاکمیت قانون خواهد بود که در ارتباط با حقوق شهروندان و از جمله حریم خصوصی ایشان خصلت‌های توامان «تنظیمی» و «تضمینی» می‌یابد.

نکته‌ی کلیدی آن است که زندگی در اجتماع و پذیرش فرض قرارداد اجتماعی برای تنسيق حضور فرد در جامعه، لزوماً شخص انسانی را به مثابه یک شهروند از حق داشتن امور شخصی و خصوصی محروم نمی‌سازد. بلکه هر کس حق دارد میزان آگاهی سایرین از مسائل فردی خود را به حداقل برساند و از آنها انتظار احترام به حریم خصوصی‌اش را در کلیه ابعاد آن داشته باشد؛ به عبارتی دیگر منطقه‌ی فراغی از حیطه‌ی تکالیف و وظایف اجتماعی وجود دارد که در آن شخص می‌تواند آزادانه به خویشتن پرداخته و تصمیمات زندگی خویش را بر اساس خواست و اراده خویش کارسازی نماید و ضرر و زیانی نیز به قواعد اجتماعی وارد نگردد و بلکه بالعکس نظم اجتماعی از طریق احترام به خواست‌های فردی محکم گردد. فرد می‌تواند خود را در مواردی از سایرین مستقل و ممتاز تشخیص دهد، بی آنکه به هویت اجتماعی وی صدمه‌ای وارد گردد. البته منطقی‌اً این «سایرین» که اعم از دیگر شهروندان و نیز دولت هستند بایستی در برابر تعدی به حریم خصوصی، خود را با ضمانت اجرایی اعم از مدنی و کیفری مواجه ببینند و این امر از لوازم ضروری حق و میز مقدمه تضمین هر چه بیشتر این حق اساسی افراد تلقی می‌شود (میرشمس، ۱۳۸۷: ۲۷).

به این اعتبار، حریم خصوصی را می‌توان یکی از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق شهروندی تلقی کرد که با شخصیت انسان ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. حق انسان به تنها بودن و با خود بودن به وسیله‌ی دیگران مورد احترام قرار گرفتن و به دور از چشم و نگاه کنترل‌کننده‌ی دیگران و رها از تجسس و تفتیش بی‌مورد دیگران زیستن حقی است

که لازمه‌ی شخصیت مستقل و کرامت ذاتی انسان به شمار می‌آید و با آزادی و استقلال و حق بر تعیین سرنوشت برای شهروند نیز ارتباط ملازمی دارد و دقیقاً از همین زاویه در متون قانونی و شرعی مورد توجه و تاکید قرار گرفته است (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

روش تحقیق

بر پایه این مقدمات فلسفی در این مقاله ابتدا سعی می‌شود تعریف جامع و کاملی از حریم خصوصی صورت بگیرد و مبانی قانونی تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی و هم چنین مبانی شرعی و احکام دینی مربوط به تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی مورد بررسی قرار گیرد. در مرحله‌ی بعد تلاش می‌شود مصادیق حریم خصوصی و تکالیف دولت در ارتباط با تضمین و رعایت آنها به طرز درهم تنیده‌ای تبیین شود. و در نهایت علل موجهه‌ی جواز نقض حریم خصوصی در موارد معین و ضوابط قانونی آن به عنوان استثنائات وارده بر اصل کلی رعایت حریم خصوصی مدنظر قرار داده می‌شود.

مفهوم حریم خصوصی

نکته‌ی مهم در مورد حریم خصوصی آن است که مفهوم و قلمرو این بعد از حقوق انسان به دنبال تحولات و پیشرفت‌هایی که به مرور زمان در زمینه‌های علمی، اجتماعی، اقتصادی و ... صورت گرفته تحت تأثیر قرار گرفته است. لذا مفهوم و قلمرو حریم خصوصی در جامعه‌ی پیشرفته و متمدن امروزی با مفهوم و قلمرو آن در جامعه‌ی سنتی سابق متفاوت می‌باشد کما اینکه مفهوم و قلمروی آن در دنیای کنونی در جوامع توسعه یافته، عقب‌مانده یا در حال توسعه می‌تواند متفاوت باشد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۲۱). پس در مقام تعریف مناسب‌تر آن است که به جای تمرکز بر مصادیق تلاش شود تا اصولی به دست آید که همیشه بتوان مصادیق را بر آنها حمل نمود و انعطاف پذیری، شمول و جامعیت لازم در اصول تعریف برای شمول بر مصادیق جدید نیز وجود داشته باشد.

هم چنین باید نوعی نسبت و تنوع‌یابی را نیز در هر تعریفی از حریم خصوصی به عنوان یک رکن مدنظر داشت. به تعبیری دیگر، مفهوم و قلمرو حریم خصوصی را می‌توان با توجه به فرهنگ هر جامعه و نوع حکومت حاکم بر یک جامعه نیز تا حدودی متغیر

دانست از این نظر برحسب اینکه فرهنگ حاکم بر یک جامعه یک فرهنگ مذهبی یا غیرمذهبی و نظام حاکم بر یک جامعه یک نظام سیاسی استبدادی و توتالیتر یا دموکراتیک و مردم سالارانه باشد، مفهوم و قلمرو حریم خصوصی می‌تواند موسع یا مضیق باشد (رحمدل، ۱۳۸۵:۱۲۱).

لذا در ارائه تعریف هم تکنیک‌های حقوقی و خصلت‌یابی‌های منطقی باید پیش چشم باشد و هم مؤلفه‌های فرهنگی و تحولات اجتماعی (Standford). پرداختن به یک مطالعه میان رشته‌ای نیز در این خصوص می‌تواند بسیار تأثیر گذار باشد و نیز توجه به یافته‌های ارزشمند مطالعات تطبیقی نیز می‌تواند در فهم نقاط تشابه و افتراق و به دست دادن یک مبنای بومی و متناسب مبانی شرعی و قانونی نظام اسلامی به کار آید.

بنابراین می‌توان گفت که هر چند که حریم خصوصی یک مفهوم سیال است که امروزه به طرز رو به گسترش و الهام بخشی در ادبیات حقوقی و به ویژه مباحث حقوق شهروندی در حال شیوع است و حتی در مستحدثات و موضوعات نسبتاً جدید از جمله آزادی اندیشه، کنترل بر جسم، خلوت و تنهایی در هتل‌ها و تفریح‌گاه‌ها، کنترل بر اطلاعات راجع به حساب‌های بانکی و مالی خود، محفوظ بودن اطلاعات شخصی صفحات اینترنتی، حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌های مجازی و رایانه‌ای به کار گرفته می‌شود، اما در حقیقت، تعریف حریم خصوصی و حرکت از مفاهیم سنتی جا افتاده مانند حریم منزل و مصونیت اموال و دارایی شخص و نیز جان و روان وی از تعرض به سمت موضوعات جدید، به نحوی که توازن و قوام تعریف به هم نخورد، چندان اسان نیست و به لحاظ منطقی دشواری‌هایی دارد. بدین معنا حریم خصوصی یک مفهوم بسیار مبهم و شکننده‌ای است و برای حقوقدانان بیش از هر چیز دیگری واجد یک ظرفیت متغیر و ملون است و حتی جدی‌ترین مدافعان حق به حریم خصوصی نیز اعتراف کرده‌اند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد. (Solve, 2002)

به گمان ما قوت و شیوع ادبیات حریم خصوصی به نحوی که با مبانی و اصول صحیح بتواند نقاط اشتراکات و خطوط اتصال همه‌ای این مصادیق را در یک نظم منطقی توضیح دهد، یک ایده آل است و در این تحقیق سعی می‌شود مبانی آن تنقیح شود. علی‌ایحال یک مطالعه کلی نشان می‌دهد که اکنون دو گرایش کلی، در برخورد با حریم خصوصی به چشم می‌خورد.

۱- برداشت‌های توصیفی از حریم خصوصی - توصیف می‌کند که در عمل و در واقع چه چیزهایی به عنوان امور خصوصی حمایت شده‌اند.

۲- برداشت‌های دستوری از حریم خصوصی، این برداشت‌ها از ارزش حریم خصوصی و حدود شایسته برای حمایت از آنها به طور تجویزی صحبت می‌کنند.

در هریک از برداشت‌های مذکور نیز برخی متفکرین، حریم خصوصی را «نفع» تلقی می‌کنند و برخی دیگر آن را یک حق اخلاقی یا قانونی می‌دانند که باید به وسیله‌ی جامعه یا قوانین مورد حمایت قرار گیرد (انصاری ۱۳۸۶: ۶۶). در این مقاله سعی می‌شود در عین استقرار قوانین و توصیف نظم موجود، همچنین ملاک‌های منطقی برای تمیز محدوده حریم خصوصی تجویز شود و البته در عین توجه به منافع عمومی و مداخلت آن در اعمال محدودیت‌ها بر حریم خصوصی، به نحوی از مبانی حریم خصوصی به عنوان یک حق شهروندی دفاع شود.

در ساده‌ترین تقسیم‌بندی می‌توان چهار نوع مصداق را برای حریم خصوصی برشمرد:

۱- حریم خصوصی جسمانی ۲- حریم خصوصی اماکن و اشیاء ۳- حریم خصوصی ارتباطات ۴- حریم خصوصی اطلاعات. به طور خلاصه در تعیین محدوده‌ی هر یک از موارد یاد شده می‌توان چنین گفت:

- حریم خصوصی جسمانی مربوط می‌شود به حمایت از حریم فیزیکی افراد در برابر اعمال تجاوزگرانه نظیر آزمایش مواد مخدر و تفتیش بدنی (Rhona et al., 2009; 289).

- حریم خصوصی مربوط به محیط پیرامون (اماکن و اشیاء) که به بررسی حریم خصوصی در اماکن خصوصی و منازل افراد یعنی مکان‌هایی که در آنها تصور حریم خصوصی

ممکن است می‌پردازد که در نتیجه مکان‌های عمومی مشمول چنین حمایتی نخواهد بود. به عنوان ملاک می‌توان گفت اماکن خصوصی اماکن متعلق به شخص یا اشخاص حقوقی یا در تصرف آنهاست که ورود دیگران به آنها عرفاً مجاز نیست یا مالک با متصرف قانونی به نحو شخصی در چارچوب قانونی، ورود دیگران را به آن اماکن ممنوع اعلام کرده است مانند بخش‌های مشترک مجتمع‌های آپارتمانی (میرشمس، ۱۳۸۶: ۸).

- حریم خصوصی ارتباطات که امنیت و حریم خصوصی نامه، مکالمات تلفنی و سایر اشکال ارتباطات را در برمی‌گیرد.^۱ ارتباطات اعم است از ارتباطات کلامی - حضوری، کتبی، الکترونیکی، سیمی و غیره که به وسیله‌ی آن هر گونه مکالمه، انتقال پیام در اشکال کلامی، حضوری، مکتوب، داده، متن، تصویر، صدا، علائم، نشانه‌ها و یا در یک شکل ترکیبی از آنها انجام گیرد.

- حریم خصوصی اطلاعات در یک تعریف برقراری قواعدی را که جمع‌آوری و اداره‌ی اطلاعات شخصی نظیر اطلاعات حساب و سابقه‌ی پزشکی را هدایت می‌کند در بر می‌گیرد. اطلاعات شخصی عبارت است از اطلاعات وابسته به شخصیت افراد و زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی و شماره کارت‌های اعتباری و شماره حساب‌های بانکی (میرشمس، ۱۳۸۶: ۸).

باید توجه کرد که به طور سنتی مفهوم حریم خصوصی بیشتر ناظر به حقوقی بوده است که با منافع اشخاص نسبت به اموال و به ویژه زمین مرتبط بوده است در حالی که امروزه پیشرفت علم نه تنها باعث تحول مفهوم بلکه باعث توسعه‌ی قلمرو حقوق حریم خصوصی نیز شده است به نحوی که امروزه از حریم خصوصی انسان بر داده‌های کامپیوتری، نامه‌های الکترونیکی، گفت‌وگوهای الکترونیکی و حساب‌های اینترنتی و ... سخن به میان آمده است.

با عنایت به مصادیق فوق‌الذکر تعاریفی مبتنی بر مفاهیم کلی نیز شکل گرفته است. این تعاریف را می‌توان در شش دسته تقسیم‌بندی کرد:

- حریم خصوصی عبارت است از حق بر تنها ماندن؛
- حریم خصوصی یعنی دسترسی محدود به حریم هر فرد و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌های ناخواسته، این حریم؛
- حریم خصوصی یعنی محرمانگی، یعنی پنهان ساختن برخی امور از دیگران؛
- حریم خصوصی یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی؛
- حریم خصوصی یعنی حمایت از شخصیت و کرامت؛
- حریم خصوصی یعنی صمیمیت و نزدیکی و احترام به روابط خانوادگی (Foord, 2002;19).

حریم خصوصی را می‌توان حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات نسبت به اینکه برای خود تعیین کنند چه زمانی، چگونه و تا چه اندازه‌ای اطلاعات مربوط به آنها به دیگران قابل مخابره باشد دانست و توجه به حریم خصوصی اشخاص هنگامی معطوف می‌شود که فرد مشغول فعالیت‌هایی می‌باشد که عادتاً باید خصوصی و شخصی تلقی شوند (Carolyn and Mirko, 200;19).

به عبارت کامل‌تر، حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا به آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته باشند و یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. حسب این تعریف جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات با دیگران، همگی می‌توانند مصادیق حریم خصوصی محسوب شوند.

مبانی شرعی تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی

به طور کلی می‌توان ادعا کرد که لزوم حمایت از حریم خصوصی و عدم مداخله در امور خصوصی دیگران یکی از مهمترین آموزه‌های دین اسلام می‌باشد. در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم حمایت از حریم خصوصی اشخاص تاکید شده است. سنت پیامبر

اکرم (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) و سیره‌ی مسلمانان نیز سرشار از توصیه‌هایی است که بیانگر پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی می‌باشد.

البته اصطلاح «حریم خصوصی» نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده است و موضع اسلام در مواجهه با مقوله‌ی حریم خصوصی یک موضع به اصطلاح تحویل گرایانه است یعنی حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت و حق غیرقابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد حمایت واقع شده است. لذا حتی می‌توان ادعا کرد که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام‌های حقوقی است و مبانی کاملاً مستحکم دینی، مقوله‌های مختلف این حق را مورد حمایت قرار داده است.

تحقیق در منابع حقوق اسلام نشان می‌دهد که حمایت از حریم خصوصی، در حقوق اسلامی در قالب حمایت از حریم خصوصی منازل، ارتباطات، امور خصوصی و افکار و عقاید شخصی بسیار دارای سابقه است و از همان دوران صدر اسلام حریم خصوصی با موضعی تحویل گرایانه مورد حمایت قرار گرفته است یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده است و مصادیق این حق در راستای حفظ کرامت و منزلت نوع بشر و تحقق معنای آیه‌ی شریفه‌ی لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (آیه ۷۰ سوره اسراء) مورد توجه قرار گرفته است.

نکته‌ی مهمی که در تفسیر آیات و روایات اسلامی مربوط به حریم خصوصی باید مدنظر قرار گیرد این است که آیات و روایات مذکور بیشتر در قالب احکام تکلیفی از مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند نه در قالب احکام وضعی لذا مسئولیت نقض کننده‌ی حریم خصوصی را که در زمره‌ی احکام وضعی است (نه تکلیفی) باید از دل احکام تکلیفی استنباط کرد و نباید خرده گرفت که آیات و روایات اسلامی جنبه‌ی مذهبی و

اخلاقی دارند و نه جنبه‌ی حقوقی تا در تحصیل مسئولیت برعهده‌ی نقض کننده‌ی آن قابل استناد باشند.

رایج‌ترین اصطلاحاتی که در آیات و روایات اسلامی درباره‌ی حریم خصوصی بکار رفته‌اند به شرح زیر می‌باشد:

۱- ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش ۲- ممنوعیت سوء ظن ۳- ممنوعیت سب و هجو و قذف ۴- ممنوعیت نمیمه و غیبت ۵- ممنوعیت تنافس ۶- ممنوعیت خیانت در امانت ۷- ممنوعیت استراق سمع؛ ۸- ممنوعیت استراق بصر ۹- ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان ۱۰- ممنوعیت اشاعه‌ی فحشا (انصاری، ۱۳۸۶:۱۲).

البته بررسی همه‌ی موارد فوق‌الذکر از حوصله‌ی این مقاله خارج است اما می‌توان به فراخور این بحث بعضی از مهمترین موارد را مدنظر قرار داد.

آیات ۲۷ و ۲۸ سوره‌ی نور در قرآن کریم، با حمایت از حریم خصوصی منزل افراد، بهترین نمونه در این رابطه‌اند. به طوری که این آیات بر لزوم رعایت حریم خصوصی مساکن تاکید کرده و افراد را از ورود به منزل غیربدون اجازه‌ی صاحب مسکن منع کرده‌اند: «ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه، مگر خانه‌های خودتان، تا با صاحب آن انس و اجازه ندارید، وارد نشوید و (چون رخصت یافتید و داخل شدید) به اهل آن خانه سلام کنید که این امر برای حسن معاشرت و ادب، شما را بسی بهتر است. باشد که متذکر شوید و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه بیابید و چون گفته شد برگردید به زودی باز گردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر آنچه می‌کنید داناست»

هم چنین در بیان ممنوعیت تجسس و تفتیش در امور دیگران آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی حجرات به طرز روشنی بیان می‌دارد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از ظن زیاد دوری کنید، همان برخی از ظن‌ها گناه هستند و در احوال مردم تجسس نکنید.» (الخرازی، ۱۳۸۰:۱۲).

همچنین سنت اسلامی نیز در بیان ممنوعیت استراق سمع و بصر، راه‌گشا می‌باشد. از جمله اینکه پیامبر اکرم فرمودند: هر کس به مکالمات دیگران در جایی که آنها مایل نیستند گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می‌شود (ابوبصیر، ۲۰۰۱:۱۲۱).

امام علی (ع) نیز در نامه‌ی خویش به مالک اشتر به هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر انتخاب کردند تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده است و مالک را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند توصیه فرموده است (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۶۸).

در همین ارتباط، در آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم و ائمه اسلام (ع) سوء ظن نیز به عنوان منشأ و ریشه‌ی اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران مورد توجه قرار گرفته است و به همین دلیل برای برخورداری از رویکردی بنیادین در برخورد با معضل تجسس، به مردم توصیه شده است که از سوء ظن درباره‌ی گفتار و اعمال دیگران پرهیز کنند؛ به ظاهر اعمال و گفته‌ها اعتماد کنند مگر آنکه خلاف آن اثبات شود نه آنکه ظواهر را با سوء ظن مورد تفتیش قرار دهند.

در این زمینه، دو حدیث نقل شده از پیامبر اکرم بسیار حائز اهمیت هستند:

- ۱- ان الله تعالى حرم من المسلم دمه و ماله و ان یظنّ به ظن السوء
- ۲- ایاکم و الظن، فان الظن الکذب الحدیث و لاتحسبوا و لاتجسسوا (شیخ محمدباقر ۲۰۰)

در نتیجه فقهای اسلامی با توجه به آیات و روایات مذکور «اصل صحت فعل مسلم» را استنباط کرده و به عنوان یکی از قواعد فقهی مورد شناسایی قرار داده‌اند.

در حمایت از حریم خصوصی افراد، در آیات قرآن و سنت اسلامی، ورود به منازل اشخاصی منوط به استیناس و استیذان شده است استیناس یعنی هنگام ورود به منزل دیگران باید خود را معرفی کرد و آشنایی‌های لازم را به صاحب منزل داد تا وی در صورت تمایل در را بگشاید. استیذان نیز یعنی کسب رضایت صاحب منزل پیش از ورود به آن. امروزه استیناس و استیذان دو شرط بسیار مهم در تفتیش و بازرسی از منازل اشخاص است که از مقتضیات رعایت حقوق شهروندی افراد به شمار می‌رود.

علاوه بر آیات فوق‌الذکر، در این باره در کتب شیعه و اهل سنت نقل شده است که خلیفه‌ی دوم شبی مشغول گشت‌زنی در شهر بود، از خانه‌ای صدای آواز و عیش و طرب شنید و حدس زد که عمل حرامی در حال انجام است. برای تحقیق بیشتر راجع به حدس خود، از دیوار منزلی که صدای غنا از آنجا برخاسته بود بالا رفت و صاحب منزل را صدا زد. خطاب به وی گفت: ای دشمن خدا گمان کردم که خداوند بر تو لباس شرم و حیا پوشانده است در حالی که معصیت خدا می‌کنی؟ آن مرد در پاسخ خلیفه گفت: ای خلیفه زیاد تند نرو؛ اگر من یک معصیت کردم شما صد معصیت مرتکب شده‌اید. خداوند فرموده است تجسس نکنید و تو تجسس کردی؛ فرموده است به خانه‌های مردم از در وارد شوید و تو از دیوار بالا آمدی و بالاخره آنکه فرموده است که بدون استیناس و استیدان وارد خانه‌ی مردم نشوید ولی تو بدون اذن وارد منزل من شدی. خلیفه گفت: آیا گر طلب بخشش کنم من را می‌بخشی؟ صاحب خانه گفت آری و خلیفه از منزل خارج شد و رفت (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳۹۵).

در نهایت می‌توان گفت مطالعه کتب فقهی و نحوه‌ی درک آنها از آیات و روایات اسلامی و هم‌چنین مدنظر قرار دادن عرف جوامع اسلامی و آنچه به عنوان بنای عقلاء مدنظر قرار می‌گیرد به خوبی اهمیت مفهوم «حریم خصوصی» و لزوم احترام به مصادیق آن را در آموزه‌های دین اسلام به اثبات می‌رساند.

مبانی قانونی تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی

ابتدا باید توجه کرد که در زمینه‌ی مبانی قانونی تضمین و رعایت حق به جرم خصوصی باید تفکیکی را میان اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی مورد نظر قرار داد. از این زاویه باید گفت از سویی دولت جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب کلی سیاست همکاری مسالمت‌آمیز با کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی و با مدنظر قرار دادن مصالح نظام (و ضمن توجه به انطباق با موازین دینی) به برخی از معاهدات، کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی ملحق شده است که این دسته از اسناد پس از امضاء توسط مقامات و نمایندگان صالح دولت جمهوری اسلامی ایران و هم‌چنین تصویب آنها توسط مجلس شورای

اسلامی در حکم قانون محسوب می‌شوند و لازم الاجرا تلقی می‌گردند (ساعدوکیل و عسگری، ۱۳۸۳: ۲۹۱).

مبانی مربوط به حقوق ملت در فصل پنجم قانون اساسی شفاف شده که مشخصاً در ارتباط با موضوع این مقاله بدون تصریح و تعریف مفاهیم، مصادیق مختلفی از حریم خصوصی در اصول قانون اساسی شناسایی و رعایت آنها تضمین اساسی گردیده است. لذا قانون اساسی در رأس هرم قانونی کشور و در تکمیل مقررات آن قوانین عادی (به ویژه در بحث مورد نظر قوانین مربوط به آئین دادرسی کیفری و قانونی مجازات اسلامی) نیز به عنوان معیارهای قانونی مبانی حقوقی بحث حریم خصوصی را تدقیق می‌نمایند که در ذیل به بررسی موضوع در چارچوب فوق الذکر و با تفکیک نظم ناشی از معاهدات بین‌المللی بر نظم مربوط به قوانین و مقررات عادی و نحوه‌ی تأثیر و تأثر متقابل آنها بر یکدیگر در خصوص حریم خصوصی و مصادیق آن می‌پردازیم.

در خصوص نظم بین‌المللی اولاً باید گفت دولت ایران به اعلامیه‌ی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان دو سند مهم بین‌المللی در زمینه‌ی حفظ حریم خصوصی به عنوان اساسی‌ترین حقوق بشری ملحق شده است به ویژه باید این نکته را مورد تأکید قرار داد که این الحاق بدون هیچ گونه حق شرط کلی یا جزئی بر مفاد و عهدنامه‌های مزبور صورت گرفته است که مبین این نکته است که آنها، بی‌کم و کاست و بی‌قید و شرط در حکم قانون داخلی هستند و باید شناسایی و رعایت آنها به عنوان موازین قانونی، مورد توجه همه‌ی اشخاص به ویژه قوای عمومی و کارگزاران دولتی قرار بگیرد (مهرپور، ۱۳۸۴: ۱۰).

البته الحاق به این معاهدات قبل از انقلاب اسلامی بوده است اما عملکرد یا رویه‌ای از دولت ایران یا اعلام مغایرتی از سوی نهادهای مرتبط از جمله شورای نگهبان مبنی بر ورود شرط بر این معاهدات یا اعلام مغایرت یا عدم انطباق آنها با قوانین و مقررات اسلامی به

دست داده نشده است و موضوع تا حدودی به سکوت و ابهام برگزار شده است که مناسب است تدقیق بیشتری در خصوص آنها در دکترین و رویه قضائی صورت پذیرد. علی ایحال با فرض اعتبار قانونی مفاد معاهدات فوق الذکر در نظم حقوقی کنونی باید در حدود موضوع این مقاله اولاً به ماده‌ی ۱۳ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر توجه نمود. این ماده اعلام می‌دارد که هر کس حق زندگی خصوصی، آزادی و امنیت شخصی دارد و طبق ماده ۱۲ این اعلامیه، احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد. هرچند اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به مفاهیم جدیدی از حریم خصوصی که به مرور زمان و بر اثر پیشرفت‌های علمی ایجاد شده‌اند تصریح نکرده است ولی به نظر می‌رسد با توجه به عبارت کلی، «زندگی خصوصی» در مواد ۱۲ و ۱۳ عبارات مزبور شامل همه‌ی مفاهیم جدید حریم خصوصی نیز می‌شود. البته بعضی حقوقدانان در خصوص جنبه‌ی توصیه‌ای یا الزامی اعلامیه فوق الذکر و ارزش آن با عنوان یک سند موجد تکلیف برای دولت‌ها چالش نموده‌اند که به گمان ما این ابهام را می‌توان با ارجاع به میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در لازم الاجرا بودن آن برای دولت‌های عضو شکی باقی نیست و تا حدود زیادی مفاهیم موجود در اعلامیه را عیناً نقل نموده یا شرح و بسط می‌دهد، رفع و رجوع نمود.

بر این اساس طبق ماده‌ی ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توصیف و بسط مفهوم زندگی خصوصی مندرج در اعلامیه به عنوان حق بر حریم خصوصی به شرح ذیل مورد حمایت قرار گرفته است:

- ۱- هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات، مورد ملاحظات خودسرانه (بدون مجوز) یا برخلاف قانون قرار گیرد و هم چنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود
- ۲- هر کس حق دارد در مقابل اینگونه ملاحظات، تعرض‌ها از حمایت قانونی برخوردار شود.

طرز بیان امیثاق فوق الذکر با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مشابهت‌هایی دارد که به آن ژرداخته می‌شود اما قبل از آن، علاوه بر این اسناد بین‌المللی جهانی، اشاره به برخی اسناد منطقه‌ای نیز ولو با درجه اعتبار و ضمانت اجرای کمتر مناسب دارد. در این خصوص باید گفت در سطح منطقه‌ای نیز اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر که در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۰ در قاهره به امضاء رسید، در ماده ۱۸ خود مقرر داشته است:

«الف- هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و ناموس و خانواده و مال خویش در آسودگی زندگی کند.

ب- هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.

ج- مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه‌ی ساکنان آن به صورت غیرمشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب کرد یا مصادره کرد یا ساکنانش را آواره نمود.» (مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۳۸۴).

لذا می‌توان گفت اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر اسلامی و نیز مقررات حقوق بین‌المللی عرفی که متعاقب تصویب این اسناد شکل گرفته‌اند در زمره‌ی منابعی هستند که به طور صریح بر حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران تأکید دارند.

البته استناد به این گونه مقررات در نظام قضائی ایران به دلایل متعددی که مجال تحقیق مستقلی را طلب می‌نماید، کمتر انجام شده است که در این زمینه دکتورین حقوقی می‌تواند روشنگر راه قضات باشد.

علی‌ایحال، علاوه بر این تعهدات عرفی و قراردادی بین‌المللی ساختار نظام حقوقی ایران نیز به گونه‌ای است که هر چند از حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون کمتر

سخن به میان آمده است اما حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان «حریم خصوصی» قابل حمایت هستند به طور منفرد و در بطن سایر قواعد مختلف نظام حقوقی ایران - اعم از قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آئین دادرسی کیفری و قانون آئین دادرسی مدنی، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی، اینترنتی و قانون مطبوعات و قانون تجارت بین‌الملل - گاه به طور ضمنی و گاه به طور صریح مورد حمایت قرار گرفته‌اند (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۱۰).

در این رابطه اگر حریم خصوصی را در حوزه‌های حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی قابل دسته‌بندی بدانیم، در قانون اساسی ایران:

اولاً اصل ۲۲ قانون اساسی صریحاً مقرر می‌دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند. محتوای این اصل بسیار وسیع و از جمله مشتمل بر مصادیقی از حریم خصوصی شهروندان می‌باشد. به عبارتی می‌توان این اصل را گویاترین اصل در حمایت از حریم خصوصی دانست که البته تکمیل مفاهیم مدنظر در این اصل را باید در مصادیق ذکر شده در اصل ۲۵ همان قانون مورد جستجو قرار داد. اصل بیست و پنجم در پیوند با حریم خصوصی شهروندان به شناسایی و رعایت برخی شیوه‌های صیانت از حقوق و حیثیت شهروندان در مقابل هرگونه تعرض می‌پردازد. اصل ۲۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون (ساعدوکیل و عسگری، ۱۳۸۳: ۳۶۰).

این اصل صریحاً برخی مصادیق حریم خصوصی را مورد حمایت قانونی قرار داده و بر اساس تجربیات تاریخی ملت ایران مهم‌ترین موارد نقض حریم خصوصی را در عالی‌ترین سطح قانونگذاری اعلام و نظامی حمایتی در خصوص آنها وضع می‌نماید.

فارغ از این تصریح استقرای سایر اصول قانون اساسی نیز در زمینه شناسایی و رعایت و تضمین حریم خصوصی شهروندان راهگشاست. در اصول ۱۴ و ۲۰ قانون اساسی به رعایت «حقوق انسانی» همه‌ی افراد تاکید شده است. همان طور که در بحث‌های گذشته اشاره شد حق داشتن حریم خصوصی با کرامت و تمامیت انسان‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد و در زمره‌ی مهمترین محقوق انسانی است که در اسناد بین‌المللی بسیار از آن نام برده شده است (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۹۳).

بحث

به طور منطقی می‌توان موارد ذیل را از ساختار قواعد قانون اساسی به شرح فوق استخراج نمود:

- حق به حریم خلوت و تنهایی را اجمالاً از تعریف موسع اصول چهاردهم و بیستم در خصوص حقوق انسانی می‌توان استخراج کرد.

- می‌توان حریم خصوصی مرتبط با مکان را در ارتباط با «مال» و «مسکن» با توجه به تصریح اصل ۲۲ و در ارتباط با «محل کار» با تفسیر موسع واژه‌ی «شغل» در همان اصل مورد استنباط قرار داد.

- هم چنین می‌توان «حریم خصوصی مرتبط با اطلاعات» را در نسبت مستقیم با آزادی اطلاعات مذکور در اصل ۲۴ مورد توجه قرار داد و آزادی اطلاعات را محدود به رعایت حق افراد نسبت به حریم اطلاعاتی شخصی‌شان به عنوان یکی از مصادق بارز «عدم اخلاص در حقوق عمومی» دانست؛ زیرا حق برخورداری از حریم خصوصی در زمره‌ی مهمترین مصادیق حقوق عمومی است.

- حریم خصوصی مرتبط با ارتباطات را در نسبت مستقیم با آزادی ارتباطات مذکور در اصل ۲۵ قانون اساسی می‌توان مدنظر قرار داد به طوری که در این اصل، با اشاره به استثنائات آزادی ارتباطات، حریم خصوصی ارتباطات، در مورد شایع‌ترین وسایل ارتباطی مورد حمایت قرار گرفته است. طبیعتاً این وسایل ارتباط موضوعیت نداشته بلکه طریقت داشته و توسعه مفهوم حمایتی آن به وسایل ارتباطی جدید دور از ذهن و خلاف روح

قانونگذاری اساسی نیست. باید تاکید شود که اصل بیست و پنجم یکی از مهمترین اصول قانون اساسی است که به نحو روشن و مشخص به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات پرداخته است.

- «حریم خصوصی جسمانی» را با تفسیر موسع عبارات «حیثیت» و «جان» مذکور در اصل ۲۲ قانون اساسی می‌توان مشمول حمایت آن قانون اساسی دانست (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۷).
لذا حریم خصوصی در ابعاد گوناگون آن با تفسیر منطقی از اجزای قانون اساسی و دقت در مفاهیم و اهداف اصول آن قابل تحقق است؛ به طرزى که مطابق با فصل پنجم قانون اساسی در حمایت از حقوق ملت باشد و با کلیات بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی در «وظیفه‌ی دولت نسبت به تأمین حقوق و آزادی‌های انسانی در نظام جمهوری اسلامی ایران» هماهنگ باشد. نهایتاً چنین تفسیری با اهداف مذکور در اصل دوم قانون اساسی و هم چنین مقدمه‌ی همان قانون در حفظ کرامت و حیثیت ذاتی انسان نیز تطابق دارد و با روح آزادیخواهی حاکم بر قانون اساسی انقلاب اسلامی ایران نیز تناسب کامل دارد.

- در همین رابطه باید تاکید نمود که عبارت «حقوق» که در اصل ۲۲ مذکور است و «مصون از تعرض» اعلام شده است یک عبارت کیفی و تفسیری است که حق حریم خصوصی را با یک «تفسیر پویا» می‌توان مشمول آن دانست. هم چنین اصل ۲۵ قانون اساسی انجام هرگونه تجسس را ممنوع دانسته است که با احراز مفهوم «تجسس» می‌توان بسیاری از مصادیق نقض حریم خصوصی را با منطقی مستحکم «تجسس» دانست و مشمول ممنوعیت قانون اساسی دانست.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قانون اساسی ایران همانند قانون اساسی فرانسه، اصطلاح «حریم خصوصی» را به کار نبرده است ولی از راه تفسیر می‌توان حریم خصوصی را مورد حمایت قانون اساسی دانست. همان طور که در سال ۱۹۹۵ شورای دولتی فرانسه، با تفسیر برخی اصول قانون اساسی اعلام کرد که حریم خصوصی به طور تلویحی در قانون اساسی فرانسه مورد حمایت واقع شده است.

نکته‌ی دیگری که در مطالعه‌ی نظام قانون اساسی ایران باید مدنظر قرار گیرد این است که هر چند از حریم خصوصی به طور صریح در قانون اساسی ذکری به میان نیامده است اما اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی را موظف می‌سازد تا در سکوت یا ابهام یا اجمال یا تعارض قوانین به منابع اسلامی و با فتاوی معتبر رجوع کند و حکم قضیه را استخراج کند که در زمینه‌ی مورد بحث سابقه‌ی آیات و روایات اسلامی در ارتباط با حفظ حریم خصوصی بسیار غنی و قابل توجه است و به خوبی می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۴). (در گفتار بعد اجمالاً به این مباحث پرداخته می‌شود)

هم چنین باید اشاره کرد که احتمالاً دشواری تعریفی «حریم خصوصی» به شرحی که در گفتار پیشین مذکور افتاد، دلیلی بوده است تا قانون جمهوری اسلامی ایران، این حق را در قالب اصولی چون اصل مصونیت افراد و مسکن آنها از تعرض و حقوقی نظیر حق بر امنیت جسمی و حق مالکیت، در راستای حفظ کرامت و شرافت بشری و با واژگانی که در سنت فقهی - حقوقی ایران ملموس تر و روشن تر است بیان نماید (نجفی و محسنی، ۱۳۷۹: ۷۰). لذا در اصول مرتبط با حریم خصوصی نویسندگان قانون اساسی ایران به ذکر کلمات «کیفی» و «تفسیری» بسنده نموده‌اند که عمدتاً دلمشغولی‌ها و نگرانی‌های ایشان به عنوان مبارزان انقلابی با سابقه‌ی تحمل ظلم ناروا و تعرض به حریم خصوصی جسمانی و خانه و مسکن و ارتباطات را انعکاس می‌دهد و تفصیل مکانیزم‌های حمایتی و تدقیق مفاهیم را به قوانین عادی واگذار نموده‌اند.

پذیرش این منطق و صبغه‌ی تاریخی باعث می‌شود هم امکان تفسیر خلاقانه و منعطف با توجه به شرایط زمان و مکان و همچنین با توجه به پیشرفت تکنولوژی و مسائل جدید فراهم گردد و هم راه برای تلاش برای ایجاد بیشترین حمایت ممکن از حقوق شهروندان در هر زمان با استفاده از ابزارهای تفسیری بازگذاشته شود.

البته برای جلوگیری از هرگونه اغتشاش و بی‌نظمی، تفصیل این مقررات اساسی، در قوانین عادی، مذکور افتاده است که پرداختن به جزئیات آن در قوانین مختلف از دامنه‌ی این

گفتار خارج است اما به طور خلاصه اشاراتی بدان صورت می‌گیرد. پیش از آن با توجه به آنچه در خصوص اصل صد و شصت و هفتم قانون اساسی گفته شد و نیز با توجه به تصریحی که اصل چهار داشته و حسب آن عموم و اطلاق کلیه اصول قانون اساسی باید به نحوی تفسیر و تدقیق گردد که با مبانی اسلامی مغایرتی نداشته باشد، در گفتاری مستقل به شرح مبانی فقهی بحث می‌پردازیم. حسب فرض این مقاله مبانی فقهی مربوط شناسایی و تضمین حریم خصوصی بسیار مستحکم بوده و می‌تواند راهشگای رویه قضائی در فهم مصادیق باشد.

نتیجه‌گیری

پس از بیان تعریف حریم خصوصی و مطالعه‌ی مبانی شرعی و قانونی این مفهوم، در مقام نتیجه‌گیری باید بیان داشت که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۲ «حیثیت، جان، مال حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۳).

در میان اموال، مسکن، به ویژه از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چون انسان از مسکن به عنوان محل آسایش و رفاه خود استفاده می‌کند و خلوت‌ترین محلی است که می‌توان برای هر شهروند ترسیم کرد. اهمیت مسکن به عنوان یکی از مصادیق بارز حریم خصوصی به قدری زیاد بوده است که مسکن را جدای از مال و مستقل از آن ذکر کرده است چون مسکن ممکن است مال شخص نباشد و استیجاری باشد ولی از نظر قانون هر جایی که به عنوان مسکن مورد استفاده قرار گیرد محکوم به حرمت است (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

افزون بر مسکن، باید در میان اموال، بر حریم شخصی اتومبیل‌ها هم اشاره کرد. در حقوق ایران طبق ماده‌ی ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری، بازرسی اتومبیل‌ها در جرائم غیرمشهود منوط به کسب اجازه از مقام قضایی است. در ارتباط با حریم خصوصی افراد علاوه بر مقررات مربوط به بازرسی اموال، اشیاء، مسکن و اتومبیل باید مقررات مربوط به بازرسی بدنی را نیز مدنظر قرار داد زیرا یکی از موارد حریم خصوصی انسان، حریم جان و بدن

وی است. در این زمینه قانون آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین مربوطه مقررات خاصی را پیش‌بینی نکرده‌اند و در عمل به طرزی بسیار شایع و بدون احساس کوچکترین محدودیتی انجام می‌شود. در حالی که همان‌طور که ذکر شد، ماده‌ی ۹۶ قانون فوق‌الذکر فقط از تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء آن‌هم در مواردی که حسب دلایل قوی ظن کشف متهم با اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد صحبت می‌کند و این امر هم طبق ماده‌ی ۲۴ همان قانون منحصرأ با اجازه‌ی مقام قضایی امکان پذیر است و هیچ اشاره‌ای به جواز بازرسی بدنی و تفتیش تن نمی‌کند و از هیچ یک از مواد دیگر قانون هم این جواز استنباط نمی‌شود (رحمدل، ۱۳۸۵:۱۳). همچنین باید اشاره کرد که توسعه‌ی قلمرو حریم خصوصی به مصادیق مربوط به دسته‌دوم، بیشتر ناشی از تحولات مربوط به پیشرفت تکنولوژی و مقتضیات زندگی در دنیای الکترونیکی مدرن بوده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۲۵ قانون اساسی، این دسته از مصادیق مربوط به حریم خصوصی را مدنظر قرار داده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» (محسنی و قاسم زاده، ۱۳۸۱:۲۱).

منابع

فارسی:

- انصاری، باقر " حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران"، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۶۶، ۱۳۸۳.
- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۸۱
- بالوی، مهدی «مطالعه‌ی تطبیقی شورای امنیت ملی در قانون ایران و نهادهای مشابه در سایر کشورها» پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
- بیات کمیتکی، مهناز «ارزیابی مفهوم مصلحت عمومی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی ۱۳۸۵، دانشگاه شهید بهشتی
- جعفری تبار، حسن، حکومت قانون و جامعه‌ی مدنی، در: دکتر ناصر کاتوزیان و همکاران، نسبت آزادی و قانون، تهران، دانشکده‌ی حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- خلخالی، سید فرید «آزادی و نظم عمومی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، ۱۳۷۹، دانشگاه شهید بهشتی
- راسخ، محمد «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل» مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱، سال ۱۳۸۴.
- رحمدل، منصور «حق انسان بر حریم خصوصی» مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۷۰، ۱۳۸۴.
- ساعد و کیل، امیر و عسگری، پوریا «قانون اساسی در نظم حقوق کنونی»، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- محسنی، فرید و قاسم زاده، فریدون «حریم شخصی در فضای مجازی، با تکیه بر حقوق ایران، فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی شریف، دانشگاه صنعتی شریف، شماره ۳۴، ۱۳۸۵.
- مرکز مطالعات حقوق بشر، «گزیده‌ای از اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی ۱۳۸۴
- مصطفی زاده، فهیم «شناخت و بررسی حق خلوت به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی»، مجموعه مقالات ستاد بزرگداشت هفته‌ی قوه قضائیه، تهران مرکز انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۸۵.
- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴.
- میرشمس، مانده «دولت و حریم خصوصی؛ حمایت و تعدی»، در مجموعه نویسندگان، دولت و تضمینات مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰
- میرشمس، مانده «حمایت از حریم خصوصی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- نجفی، مرتضی و محسنی، فرید «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات بین‌المللی المهدی ۱۳۷۹.
- هاشمی، سید محمد «بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی» در کتاب «حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت»، زیر نظر دکتر محمد آشوری، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، ۱۳۸۴
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول (اصول و مبانی کلی نظام) نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.

بازتاب تضمین و رعایت حریم خصوصی شهروندان در نظام شرع و قانون □ ۱۴۹

عربی:

ابوبصیر، عبدالمنعم مصطفی حلیمه، حکم الجاسوس، ۲۰۰۱، قابل دسترسی در www.abuaseer.com
الخرزازی السید محسن، فی التجسس و التفتیش ۱۳۸۰، قابل دسترسی در <http://www.islamic feqh orgmagazinesfeghti 11 htm>
الری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۷۵، جلد ۱.

المجلسی، الشیخ محمد باقر، بحارالانوار، انتشارات دارالکتاب قم.
امام علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، انتشارات علامه، ۱۳۷۹.

انگلیسی:

Carolyn Poyle & Mirko bagaric: "the right to Privacy: appealing but Plawed ", the international journal of Haman rights vol 9.no: 1.

foord kate, "Defining privacy" VLRC, 2002.

picard, Etienne, "protecting privacy", edited by markesinis, orford, oxford university press, 1999.

rhona k. m smith, christien van den anker, "the essentials of human rights", holder Arnold publication, great Britain, ۲005.

sara joseph, jenny Schultz & Melissa castan, "the international covenant on civil and political rights (cases, materials and commentary)" oxford university press 2000.

solove, paniel y, "conceptualizing privacy", California law review, vol 90, 2002

standford encyclopedia & philoshophy privacy: at <http:// plato, standford edu /entries / privacy>

Stefan trechsel "human rights in criminal proceedings", oxford university press 2005